

Issuing the Islamic Revolution from the perspective of constructivist theory
(A consideration on the identity components of issuing the revolution)

Alimohammad Hazeri¹

Doi: 10.22034/te.2024.207680

Mohsen Seraj²

Mohammad Tahmasebi Borna³

Abstract

Research Paper

Revolutions bring the most changes in nature and identity in human societies. Values, beliefs, norms in social structures go through deep changes. The issuance of the revolution has not benefited from these changes in nature. Constructivism with the focus on placing immaterial components tries to pay more attention to immaterial elements in the investigation of developments. This research is trying to examine the foundations of identity that have formed, identified and transformed the nature of the Islamic Revolution and to explain and examine their influence and role in the final formation of the issuance of the Islamic Revolution with a unique and distinct nature and identity. The main question in this research is what are the characteristics of the identity components of the Islamic Republic and what role did they play in the final formulation of the revolution. Based on the findings of the research, the identity components of issuing the Islamic revolution with indicators of soft, duty-oriented and gradual issuance and the priority of informing have played an essential role on revolutionary action. Documentary method has been used in the process of collecting information in this research. The type of research is descriptive-analytical.

Keywords: Issue of revolution, Islamic revolution, structuralism, identity, Imam Khomeini.

COPYRIGHTS

©2023 by the authors. Published by Research Institute of Imam Khomeini and the Islamic Revolution. This article is an open-access article distributed under the terms and conditions of the Creative Commons Attribution 4.0 International (CC BY 4.0) <http://creativecommons.org/licenses/by/4.0/>



1. Assistant Professor of Sociology at Faculty of Humanities, Tarbiyat Modares University, Thran, Iran. Email: hazeri_a@modares.ac.ir

2. Assistant Professor, Department of History, Research Institute of Imam Khomeini and Islamic Revolution, Thran, Iran. Email: serajmilad@yahoo.com

3. PhD Doctoral student of Islamic Revolution History, Research Institute of Imam Khomeini and Islamic Revolution, Thran, Iran. (Corresponding Author) Email: mtahmasebi39924@gmail.com

صدور انقلاب اسلامی از منظر نظریه سازه‌انگاری (ملاحظه‌ای بر مؤلفه‌های هویتی صدور انقلاب)

علی محمد حاضری^۱

Doi: 10.22034/te.2024.207680

محسن سراج^۲

محمد طهماسبی برنا^۳

مقاله پژوهشی

چکیده: انقلاب‌ها بیشترین دگرگونی‌های ماهیتی و هویتی را در جوامع انسانی به ارمغان می‌آورند. ارزش‌ها، باورها، هنجارها در ساختارهای اجتماعی تحولات عمیقی را پشت سر می‌گذارند. صدور انقلاب نیز از این تغییرات ماهیتی بی‌بهره نمانده است. سازه‌انگاری با محوریت قراردادن مؤلفه‌های غیرمادی تلاش دارد تا در بررسی تحولات به عناصر غیرمادی توجه بیشتری داشته باشد. این پژوهش در تلاش است تا به بنیان‌های هویتی که ماهیت انقلاب اسلامی را تشکیل، شناسانده و تحول بخشیده‌اند بررسی و تأثیر و نقش آن‌ها را در شکل‌بندی نهایی صدور انقلاب اسلامی با ماهیت و هویت یکه و متمایز مورد تبیین و بررسی قرار دهد. پرسش اصلی در این پژوهش این است که مؤلفه‌های هویتی جمهوری اسلامی چه شاخصه‌هایی دارند و چه نقشی در صورت‌بندی نهایی صدور انقلاب ایفا نموده‌اند. براساس یافته‌های پژوهش مؤلفه‌های هویتی صدور انقلاب اسلامی با شاخص‌های صدور نرم، تکلیف‌گرایانه و تدریجی و اولویت آگاهی‌بخش بر عمل انقلابی نقش اساسی داشته‌اند. در روند گردآوری اطلاعات در این پژوهش از روش اسنادی استفاده شده است. نوع پژوهش توصیفی - تحلیلی می‌باشد.

کلیدواژه‌ها: صدور انقلاب، انقلاب اسلامی، سازه‌انگاری، هویت، امام خمینی.

*۱. دانشیار گروه جامعه‌شناسی دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ایران. Email: hazeri_a@modares.ac.ir

۲. استادیار گروه تاریخ انقلاب اسلامی، پژوهشکده امام خمینی و انقلاب اسلامی، تهران، ایران.

Email: serajmilad@yahoo.com

۳. دانشجوی دکتری تاریخ انقلاب اسلامی، پژوهشکده امام خمینی و انقلاب اسلامی، تهران، ایران. (نویسنده

Email: mtahmasebi39924@gmail.com

مسئول)

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۷/۲۲

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۱۱/۷

دوفصلنامه تاریخنامه انقلاب/دوره ۷/شماره ۱-۲/شماره پیاپی ۱۳ و ۱۴/پاییز ۱۴۰۲

مقدمه

ایده صدور انقلاب در سیر تحول معنایی خود گاهی به مثابه هدف، گاهی به مثابه رسالت و گاهی به عنوان یک وظیفه انقلابی و در زمانی به عنوان یک استراتژی جلوه گر شده است. انقلاب اسلامی پس از پیروزی، با توسل به نوعی اتحاد نه تنها سعی در هماهنگی و اتصال جوامع شیعه به یکدیگر داشته، بلکه برای هدف نهایی یعنی اسلامی کردن تمام جهان در نگاه کلان و احیای اسلام شیعه در بطن دنیای اسلام در جغرافیای اسلامی می‌کوشد. با توجه به این آرمان تعریف شده و با توجه به وضعیت ژئوپولیتیک مذهبی ایران و کشورهای منطقه، مقتضیات نهفته شده در رویکردهای دینی، نوعی صدور تبلیغی را به صورت نرم افزاری در درون خود دارد. اصل دعوت به عنوان اساسی‌ترین استراتژی سیاست خارجی در اسلام و در کنار آن اصولی چون اصل تألیف قلوب در انقلاب اسلامی باعث قالب‌بندی اصلی صدور انقلاب در این شکل شده است. پروسه‌ای که با پیروزی انقلاب اسلامی در ایران دنبال گردید. روابط با دنیای بیرون براساس یک منافع خاص و فوق‌العاده با ویژگی‌های منحصر به فرد که نه تنها در روابط با کشورهای همسایه بلکه با تمامی کشورهای اسلامی و همچنین در ابعاد جهانی مورد توجه قرار گرفت. از منظر رهبر انقلاب اسلامی نیز، اصل دعوت به توحید به عنوان یک اصل مهم در روابط خارجی و سیاست برون مرزی جمهوری اسلامی ایران از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. این اصل نسبت به مسائل مربوط به سیاست خارجی با رد نظام سلطه حاکم در دنیای کنونی و اشاره به واقعیت‌های محیط دعوت، با مخاطب قرار دادن مردم فراسوی مرزهای جغرافیایی و سیاسی ایران در قالب ملت‌ها و دولت‌ها، آنان را به نظام ارزشی اسلام دعوت می‌کند. ضمن این که در این روند تأکید بیشتر بر روی ملت‌هاست تا دولت‌ها (زارعی، ۱۳۹۱، ص. ۷۸). بنابراین در سیاست خارجی انقلاب اسلامی، مسأله صدور انقلاب در راستای یکی از وظایف مهم دستگاه دیپلماسی جمهوری اسلامی ایران در عرصه عمل با تلاش برای پیشبرد اسلام و ارزش‌های توحیدی اسلام در جهان همراه می‌باشد. فضای انقلابی حاکم بر ساختار جمهوری اسلامی باعث گردید تا مناسبات و منطق نهفته در فضا و گرایش‌های رادیکال انقلابی، صدور انقلاب را به سطح و منزلت یک وظیفه و باید استراتژیک ارتقا داده و آن را با

قهر و خشم انقلابی علیه تمام مناسبات و ملاحظات استکباری حاکم بر جهان قرین و همراه سازد. این مصداق وظیفه و باید استراتژیک با ماهیتی متشکل از بنیان‌های اسلامی و دعوت برای توحید صورت‌بندی گردید.

شخصیت محوری امام خمینی و تأثیرگذاری ایشان در تمامی ده ساله نخستین انقلاب اسلامی باعث شده است تا مفهوم و شاخص صدور انقلاب اسلامی در ساختار انقلابی و در عرصه سیاست خارجی متأثر از رویکردهای ایشان و در تعامل با برخی مؤلفه‌های هویتی که ریشه در ایدئولوژی و ژئوپولیتیک منطقه جغرافیایی داشته‌اند، شکل بگیرد. بررسی و تبیین روند این تأثیرگذاری می‌تواند در شناسایی هر چه کامل‌تر ابعاد صدور انقلاب و به تبع آن پیامدهای داخلی و بیرونی آن راهگشا باشد. رسالت این تحقیق بر پاسخ به این پرسش اساسی استوار است که هویت انقلابی شکل گرفته دارای چه شاخصه‌هایی است و چه تأثیری در هویت و راهبرد صدور انقلاب داشته است. فرضیه پژوهش بر این پایه استوار است که مؤلفه‌های هویتی در شکل‌بندی نهایی صدور انقلاب با شاخصه‌های نرم صدور انقلاب و با محوریت راهبرد تقدم آگاهی بر عمل انقلابی صورت‌بندی گردیده است.

۱. پیشینه تحقیق

در این پژوهش تلاش شده است تا مؤلفه‌های هویتی در رویکرد تحقیقی نو قرار گیرد تا به تبیین مناسب‌تری از پیامدهای صدور انقلاب دست پیدا کنیم. هدف پژوهش پاسخ به پرسش بنیادین در چارچوب مدعای طرح شده پژوهش می‌باشد. تاکنون پژوهش مستقلی با تأکید بر شاخصه‌های هویتی و تأثیر آن در بررسی پیامد صدور انقلاب صورت نگرفته است. در ادامه به صورت اجمالی به مهم‌ترین کارهای پژوهشی که در این حوزه انجام شده است، اشاره می‌گردد.

نویسندگان- روش استفاده شده	عنوان مقاله	روش استفاده شده- مهم ترین یافته ها
فرزندی اردکانی (۱۳۸۶)	مبانی نظری صدور انقلاب از منظر امام خمینی	توصیفی- تحلیلی- تحلیل مبانی نظری و ایدئولوژیکی امام خمینی در مسأله صدور انقلاب
محمد اسماعیل نباتیان اسماعیل (۱۳۹۶) پژوهش های انقلاب اسلامی	حوزه انقلابی و صدور فرهنگ انقلاب اسلامی	بررسی زمینه ها و بسترهای فرهنگی در صدور انقلاب اسلامی- صدور نرم در انقلاب اسلامی
حمزه صمدی میار کلائی و حسین صمدی میار کلائی (۱۳۹۵) مطالعات انقلاب اسلامی	الگوی صدور انقلاب اسلامی در جهت دستیابی به تمدن نوین اسلامی	به کارگیری استعاره هندسی فراکتال- نقش جمهوری اسلامی بر انقلاب های نوین دنیا
سعید واحدی (۱۳۹۵) تحقیقات جدید در علوم انسانی	تبیین دیدگاه و ایدئولوژی امام خمینی در زمینه صدور انقلاب	روش توصیفی- تحلیلی- صدور حتمی انقلاب اسلامی و تأثیرپذیری بر محیط پیرامون
جعفرزاده بهابادی و دیگران (۱۳۹۲) پژوهشنامه انقلاب اسلامی	بازنمایی الگوی صدور انقلاب در اندیشه سیاسی رهبر معظم انقلاب	تأکید بر صدور انقلاب نرم و تأمین اهداف فراملی انقلاب
سید حسین اطهری (۱۳۹۲) مطالعات انقلاب اسلامی	تحلیل انتقادی گفتمان صدور انقلاب اسلامی	روش نورمن کلاف- برتری اندیشه صدور انقلاب از منظر امام خمینی در ساختار انقلابی
شهرزاد شریعتی (۱۳۹۲) راهبرد توسعه	جنبش نرم افزاری به مثابه صدور انقلاب	افزایش توان جمهوری اسلامی در گرو پیشبرد گفتمان صدور انقلاب اسلامی و الگوسازی
دهقانی فیروزآبادی (۱۳۸۸) رهیافت انقلاب اسلامی	تحول الگوی صدور انقلاب در دوران دفاع مقدس	تحول ماهیتی در روند صدور انقلاب اسلامی در زمان جنگ از رویکرد فراملی به ام القرا
ابراهیم متقی و محمد طهماسبی (۱۳۹۹) اندیشه سیاسی	تکلیف گرایی و تأثیر آن در جایگاه ملی گرایی در مسأله صدور انقلاب	غلبه آرمان های ایدئولوژیک و اولویت قرار گرفتن اهداف فراملی در مسأله صدور انقلاب

۲. چارچوب مفهومی پژوهش

۲-۱. چارچوب مفهومی

۱-۱-۲. صدور انقلاب

در تعاریفی که از این مفهوم عرضه می‌گردد به رابطه تنگاتنگ این مفهوم با وقوع انقلاب‌های بزرگ اشاره می‌شود، به این ترتیب که انقلاب‌هایی دارای مفهوم صدور انقلاب در خود هستند که داعیه رسالت جهانی دارند و براساس اندیشه‌های برآمده از دل انقلاب‌های به وجود آمده رسالتی برای خود در مقابل جهان خارج از مرزهای جغرافیایی خود تعریف کرده‌اند. با این تعریف، مفهوم صدور انقلاب بعد از پیروزی انقلاب فرانسه به جود آمده است (اسپوزیتو، ۱۳۸۲، ص. ۵۵). یکی از مسائل اساسی که در هر انقلاب بزرگی بعد از پیروزی با آن روبرو می‌شویم، مسئله صدور انقلاب می‌باشد. طبیعی است که این مسئله برای انقلاب‌هایی مطرح می‌گردد که داعیه جهان‌شمولی برای انقلاب خود در نظر داشته و رسالت‌ها و اهدافی در سطح جهان برای انقلاب خود در نظر دارند. در برابر این مفهوم بسیار مهم که شناسنامه بیرونی هر انقلابی به شمار می‌رود، اندیشمندان علوم انسانی تعاریف متعددی ارائه کرده‌اند که نفس وجود این تعاریف متنوع، حاکی از وجود ابعاد پیچیده این مفهوم در انقلاب‌ها می‌باشد. می‌توان گفت صدور انقلاب از پیامدهای طبیعی هر انقلاب بزرگی به شمار می‌رود که از این طریق تلاش می‌گردد تا دستاوردهای آن انقلاب برای سایرین صادر و معرفی شود. داریوش آشوری مفهوم صدور انقلاب را مجموعه اقداماتی می‌داند که حکومت انقلابی پیروز شده در یک انقلاب برای ترویج شکل مشابه آن به خارج انجام می‌دهد و نسخه صادر شده به عنوان یک نمونه جهانی به تمام دنیا عرضه می‌گردد (آشوری، ۱۳۸۷، ص. ۱۳۱). صدور انقلاب به این معناست که انقلابیون تلاش می‌کنند اهداف و رسالت‌های انقلاب خود را به فعلیت برسانند و انقلاب خود را به عنوان نمونه‌ای ایده‌آل برای سایرین عرضه نمایند. به این ترتیب صدور انقلاب در واقع نقطه عطفی است که انتشار تمامی پیام‌های انقلاب را میسر می‌کند. بنابراین، مفهوم "صدور انقلاب" در این پژوهش اقدام و سیاستی است که از طرف دست‌اندرکاران انقلاب برای تأثیرگذاری در سایر جوامع اتخاذ می‌گردد.

۲-۲. هویت نظام انقلابی

سازهانگاری تأکید ویژه‌ای بر عنصر هویت در شکل‌گیری منافع ملی کشورها و ملت‌ها دارند و هویت را پل ارتباطی سیاست داخلی و خارجی کشورها برمی‌شمارند. گریفیس^۱ بر این باور است ساخت هویت بنا بر تعاریف و عناصر تأثیرگذار در آن از جمله الگوی قدیمی دولت-ملت بر روی یک عنصر غیریت‌ساز سیال همچون داخل/خارج - خود/دیگری نیز بدست می‌آید.

دولت‌ها با روایت کردن تاریخ به شیوه‌ای خاص، آن را پشتوانه عملکرد خود می‌دانند. دولت‌ها براساس هویت زمینه‌مند خود، جهان را برای خود می‌سازند و در این تعامل هویت آنها دچار دگرگونی یا (تثبیت بیشتر) می‌شود. دولت‌ها بر این اساس نیازمند هویت یعنی نقشی نسبتاً باثبات، شناخت از خود و انتظارات و توقعاتی که دیگران بر اساس موقعیتی خاص که دولت در آن قرار گرفته و خود را تعریف می‌کنند هستند. در اینجا دولت‌ها در مقام بازیگران صحنه بین‌المللی تفسیر می‌کنند، تصمیم می‌گیرند، اعلام می‌کنند و در نهایت اجرا می‌کنند و همه این کارها را در چارچوب درک خود از جهان انجام می‌دهند. لازم به ذکر است که در اینجا منظور از هویت، یک هویت اجتماعی پیکر وار است یعنی آن قسمتی که به پرسش چگونگی شکل‌گیری آن و منشاء هویت دولت می‌پردازد مدنظر قرار دارد. هویت دولت‌ها محور تعریف آنها از واقعیت و برساختن مسایلی مانند قدرت، منافع ملی، دوست و دشمن، امنیت و در نهایت تصمیم‌گیری و کنش بر اساس آنهاست. کشورها نیز مانند افراد تا حد زیادی زندانیان هویت و دسته‌بندی‌های ارزشی خود از جهان هستند (آدلر، ۱۳۸۴، صص. ۷۸-۷۹). بنابراین همانگونه که ونت^۲ بر این باور است هویت در نظام سیاسی کشورها بر شیوه‌های روابط خارجی آنها تأثیر می‌گذارد همچنین، رفتار دولت‌ها در سیاست خارجی به نوع فرهنگی بستگی دارد که در خود درونی کرده و دولت‌ها بر پایه نحوه درونی کردن این فرهنگ‌ها در خود، رفتار متفاوتی را در سیاست خارجی بروز می‌دهند (ونت، ۱۳۸۴، ص. ۳۶۹). از جمله مهمترین مبانی هویت یک نظام سیاسی می‌توان

1 . Martin Grifès

2 . Wendt

به جغرافیا، نژاد و قومیت، تاریخ، ساخت اجتماعی و عوامل ربانی و مذهبی اشاره کرد. زمینه‌ای که نظریه سازه‌انگاری یاری دهنده در پژوهش‌های اینچینی است بررسی هویت شکل گرفته در ساحت ملی، تأثیر آن در نوع جهان‌بینی و برداشت‌های عوامل تصمیم‌گیرنده در عرصه داخلی و خارجی است. در واقع با محور قرار گرفتن هویت، نظریه واحد سازه‌انگاری مبتنی بر قراردادادن ذهنیت به عنوان قوام‌بخش عالم تحقق می‌یابد و نظریه سازه‌انگارانه بالاخص در عرصه بیرونی یک نظام‌سیاسی امکان‌پذیر می‌شود. طبق نظریه سازه‌انگارانه مفاهیم زبانی، ایده‌ها و باورها، انگاره‌ها جغرافیایی و بر ساخته‌های موجود مورد تجزیه و تحلیل قرار می‌گیرند و ساختاری منسجم و هویت‌مند که ویرینی منسجم و متمایز از یک ساختار است را ارائه می‌دهند. بر همین اساس الکساندر ونت^۱ رابطه بین هویت و منافع را به کمک نقش تعریف می‌کند. نقش‌هایی که دولت‌ها بر عهده می‌گیرند آنها را به مجموعه اقداماتی فرا می‌خواند که با این نقش هماهنگ هستند. بنابراین سازه‌انگاران هویت را به عنوان متغیر اصلی در شکل دهی رفتار کنشگران در عرصه داخلی و بین‌المللی مطرح کرده‌اند. از این منظر هویت یک دولت در بستر تاریخی و فرهنگی و ساختار بین‌الذهانی معنا می‌یابد. این کیفیت از هویت از نظر سازه‌انگاران هم حامل مایه‌های ثابت معناها و اشکال پویاست. در این معنا هویت بازیگران همواره در حال پوست انداختن و بازتعریف است و سخن گفتن از هویتی همیشه ثابت غیرممکن می‌باشد (ونت، ۱۳۸۴، ص. ۳۲۵). چستی در وضعیت کنونی و تعریف خود در دنیای پیرامونی می‌تواند مهمترین دغدغه سازه‌انگاران در مقوله هویت به شمار رود. سازه‌انگاران فرض را بر این می‌گذارند که خودها یا هویت‌های دولت‌ها متغیر است. این متغیر بودن دوسویه باعث نوعی تعامل بین هنجارهای بین‌المللی و هویت بازیگران می‌شود (marcel, 2001, pp.3-4). تحلیل سازه‌انگارانه متوجه تأثیر تاریخ در شکل دهی به سیاست خارجی نیز است. آنها احتمالاً به بافت تاریخی، فرهنگی، سیاسی و اجتماعی بستگی دارند (هاف، ۱۳۸۶، ص. ۴۵۶). در این چارچوب سازه‌انگاری معتقد است که هویت یک دولت با ارجاعاتی ارزشی به گذشته و آینده شکل می‌گیرد. دولت‌ها با روایت تاریخ به شیوه‌ای خاص آن را

پشتوانه‌ای برای عملکرد امروز خود قرار می‌دهند (porcel, 2002, p. 47).

۳-۲. روش‌های دستیابی به اهداف هویتی

از نظر سازه‌انگارها هویت، منافع و استراتژی دولت را به سه شیوه می‌توان با هم مرتبط ساخت. اولاً بر پایه یک منظومه متشکل از ارزش‌های همسو که تولید و بازتعریف شده‌اند. ثانیاً باورهای خاصی که ناشی از تعریف بازیگر از هویت خود است و برای نظام مورد نظر مجموعه‌ای از اولویت‌ها را صورتبندی می‌کند. در آخر هویت‌ها قواعد و عملکردهای خاصی را در بر می‌گیرند که مشخص می‌سازند کدام روش و وسیله و در کل استراتژی مشروع بوده و در کانون توجه تصمیم‌گیران و اقدام‌کنندگان قرار خواهد گرفت. برداشت‌هایی که از یک نظام انقلابی دینی انتظار می‌رود در این بخش متمایز می‌شوند. بنابراین انتظار می‌رود با تعریف یا تغییر هر یک از این برداشت‌ها، نوع، روش و اولویت‌های تعریف‌شده نیز به عنوان پیامد تغییر، دچار تغییر و تحول شوند. در عرصه صدور انقلاب که ویتترین بیرونی هر انقلابی به شمار می‌رود تمامی این فرایندها و پیامدهای رفتاری در یک الگوی مشخص قابل ردیابی هستند.

هویت یک نظام سیاسی به عنوان یک متغیر مستقل که بر بسترهای متنوع داخلی و خارجی شکل گرفته است بر کیفیت صدور انقلاب در تمامی عرصه‌ها تأثیر مستقیمی بر جای می‌گذارد. بر این اساس هویت یک دولت و ساختار عبارت است از معنایی که یک بازیگر در برداشت و رویکرد به دیگران، برای خود قائل است. به نظر ونت هویت مقوله‌ای وابسته به زمینه اجتماعی، سیاسی فرهنگی و تاریخی است. ارزش‌ها، باورها و هنجارها و حتی عوامل جغرافیایی و نژادی در هویت‌بخشی نقش مهمی را ایفا می‌کنند. این هویت به دلیل تعدد، تمایز و تنوع خود رفتارها و منافع متفاوتی را به دنبال خواهد داشت. قرار گرفتن مسأله " هویت " نظام سیاسی در مرکز تحلیل ایده مرکزی سازه‌انگاری مبنی بر قرار دادن ذهنیت به عنوان قوام بخش عالم تحقق یافته است. نظریه سازه‌انگاران در تمامی عرصه‌های مختلف داخلی و خارجی تحقق می‌یابد. هویت اسلامی با تلاش برای عملی کردن این انگاره متمایز نسبت به هویت‌های دیگر، باعث

بروز کیفیتی متمایز در خروجی این ساختار در عرصه صدور انقلاب خواهد شد. شکل‌بندی نهایی در ماهیت و کمّ و کیف مسأله صدور انقلاب به مؤلفه‌های هویتی در ساختار انقلابی و ذهنیت انقلابیون به عنوان کنشگران با مؤلفه‌های هویتی در این عرصه بستگی دارد. در ادامه به شاخص‌ترین مؤلفه‌های هویتی متمایز در انقلاب اسلامی که در چشم‌انداز مسیر انقلابیون در مسأله صدور انقلاب، نقش بارزی ایفا نموده‌اند و ذهنیتی متمایز برای انقلابیون در ادامه مسیر به وجود آورده‌اند و راهبردی متمایز را ایجاد نموده‌اند مورد بررسی قرار خواهیم داد.

۳. مبانی هویتی صدور انقلاب در ایران

۳-۱. مبانی هویت ایدئولوژیکی صدور انقلاب

یکی از رویدادهای بزرگ و پراهمیت تاریخی که طی دو دهه پایانی قرن بیستم، مسأله هویت را به عنوان مسأله‌ای مهم قرار داده است، ایدئولوژی انقلاب اسلامی بوده است (مجتهدزاده، ۱۳۷۹، ص. ۱۳۹). به طور کلی ادیان، به ویژه انواع الهی آنها، حامل پیام‌هایی فراملی و مخاطبانی فراتر از مرزها هستند. به همین خاطر، اغلب جوامع، دین را منبع سعادت و خوشبختی را در پناه آن ممکن دانسته‌اند. از این رو، دین همواره به مثابه اهرمی قوی تلقی شده که از تضييع حقوق محرومان جلوگیری خواهد کرد. همچنین به باور پیروان دینی، در دین دستورالعمل‌های فرهنگی خاصی اعمال شده که موجب حفظ حقوق انسانی و اجرای بایدها و نبایدهای اخلاقی می‌شود (عیوضی، ۱۳۸۲، ص. ۶۹). عنصر دین و مذهب در انقلاب ایران جایگاه والایی داشته است و در این راستا، توانسته بستر گسترده‌ای برای طرح و تحقق آرمان‌های انقلاب در شکل صدور انقلاب باشد.

رضوان السید بر این باور است که در اوضاع بین دو جنگ و دوره جنگ جهانی دوم ایده بیداری یا بازگشت به اسلام، به عنوان معیار و حافظ هویت شایسته برای همه زمان‌ها و مکان‌ها و نیز به عنوان ایدئولوژی مسلمانان در برابر همه ایدئولوژی‌های دیگر تبلور یافت (السید، ۱۳۸۳، ص. ۸۸). انقلاب ایران که در بستری دینی قابل بررسی است،

اسلام را الگوی خود معرفی می‌کند و در چارچوب آن، به انسان و جهان پیرامون آن می‌نگرد. لذا اساس ایده انقلاب اسلامی را می‌توان در یک بستر مذهبی به نام اسلام شیعی واکاوی کرد. مذهبی که در طول تاریخ همواره حافظ هویت ملی، استقلال و حامی بسیج مردمی تلقی می‌شده است (اسپوزیتو، ۱۳۹۲، ص. ۱۱۳). میشل فوکو درباره نقش عنصر دین در انقلاب ایران بر این باور است که «همیشه از مارکس و افیون مردم توسط دین، نقل قول می‌آوردند، اما باید گفت اسلام در سال ۱۹۷۹ افیون مردم نبوده است بلکه روح یک جهان بی‌روح بوده است. به همین دلیل اعتقاد به اسلام و شیعه در ایرانیان باعث شده که آنها شوربختی‌های جهان را نپذیرند» (فوکو، ۱۳۷۳، ص. ۶۱).

از طرف دیگر، انقلاب ۱۳۵۷ ایران را بیش از هر امر دیگری با صفت اسلامی و رهبری روحانیت شیعه می‌شناسند. فرانسوا توال با توجه به نقش محوری اندیشه‌های شیعی امام خمینی در انقلاب، بر این نکته تأکید فراوانی می‌کند که «پیروزی انقلاب خمینی در ایران یکی از پراهمیت‌ترین وقایع و انقلاب‌های نیمه دوم قرن بیستم بوده و در حقیقت مهمترین واقعه در طول تاریخ شیعه می‌باشد» (توال، ۱۳۷۶، ص. ۴۳). تأثیرات این انقلاب در تمامی حوزه‌ها از اقتصاد تا فرهنگ، از سیاست تا دین، از حکومت تا جامعه و از سیاست داخلی تا سیاست خارجی انکارناپذیر است. امام‌خمینی در کتاب "ولایت فقیه" این حرکت اسلام‌خواهی را مورد تأکید قرار می‌دهد که شرع و عقل حکم می‌کند که باید نگذاریم وضع حکومت‌ها به همین صورت ضد اسلامی ادامه پیدا بکند. دلایل این کار واضح است چون برقراری نظام سیاسی غیراسلامی به معنی بی‌اجرا ماندن نظام سیاسی اسلام است (امام خمینی، ۱۳۶۲، ص. ۲۰). به نظر می‌رسد فرهنگ و به ویژه دین به عنوان یکی از عناصر آن بر تمامی حوزه‌های سیاسی و اجتماعی ایران پس از انقلاب تأثیر گذاشته است. سیاست خارجی نیز از این قاعده مستثنی نبوده و در تمامی ابعاد تغییرات زیادی را پس از انقلاب به خود دیده است (فاطمی‌نژاد، ۱۳۹۴، ص. ۱۱۴). حکومت برآمده از انقلاب اسلامی عدالتخواهی و ظلم‌ستیزی را از منظر آموزه‌ها و رهنمودهای قرآنی و مکتبی خود تصویرسازی کرده و از سوی دیگر این مفاهیم در قالب حکومت جمهوری اسلامی جنبه سیاسی پیدا کرده و به عنوان استراتژی سیاست خارجی و داخلی مدنظر قرار گرفته است.

علاوه بر این مذهب شیعه به دلیل ماهیت اعتراضی، اجتهادی و انقلابی خود و مفاهیمی چون مهدویت و عاشورا نسبت به ولایت ظالمان و سلطه و اقتدار سیاسی نامشروع موضع رد و نفی داشته است. از این رو نهضت عاشورا و مفاهیم مهدویت معیار، الگو و یکی از ریشه‌های انقلاب اسلامی به شمار می‌آید. ریمون آرون^۱ بر این باور است انقلاب اسلامی پیامدهای جهانی و منطقه‌ای فراوانی به همراه داشته است و تمامی کشورهای عرب منطقه را به لرزه درآورد و اروپای غربی را در وضعیت نگران‌کننده‌ای قرار داد (آرون، ۱۳۸۴، ص. ۱۹). مبانی اعتقادی انقلاب اسلامی ایران، ایدئولوژیکی و آرمان‌گرایانه بود و با این شعار که اسلام مرز نمی‌شناسد، رسالت خود را جهانی قلمداد می‌کرد و به دنبال گسترش ایده‌های انقلابی حرکت می‌کرد (یزدانی خجسته، ۱۳۹۱، ص. ۶۳). بنابراین فرهنگ سیاسی شیعه که در اینجا به عنوان ایدئولوژی انقلاب مورد تأکید قرار می‌دهیم، هم از مؤلفه‌های سنتی و نمادهای مذهب شیعه سرچشمه می‌گیرد و هم از بافت سیاسی و اجتماعی جغرافیایی ایران الهام گرفته است و در این تعامل و تأثیرگذاری‌های دوسویه شکل‌بندی نهایی خود را صورت داده است. حمید عنایت بر این باور است وجه مشخصه انقلاب اسلامی ایران، نقش اساسی مذهب تشیع در تکوین و تداوم جنبش انقلابی در چهارچوب جغرافیای سیاسی ایران نمود پیدا کرده است (عنایت، ۱۳۷۴، ص. ۲۸).

رایت^۲ معتقد است انقلاب در هدف‌هایش، با توجه به تحولات گسترده اواخر قرن بیستم در سطح جهانی همخوانی داشت. از جمله این تحولات می‌توان به آغاز روند فروپاشی کمونیسم در اروپا، نابودی حکومت‌های نژادی در آفریقا و پایان دیکتاتوری‌های نظامی در آمریکای لاتین نام برد (رایت، ۱۳۸۲، ص. ۷۱). لذا انقلاب اسلامی ایران مخاطبان خود را نه تنها ملت ایران، بلکه تمام ملل جهان قرار می‌داد. بدین ترتیب، انقلاب اسلامی ایران به مانند انقلاب‌های بزرگ با جهان‌وطن‌گرایی خود، نخست به آرمان‌ها و اهداف خویش ابعاد و مضامین جهانی می‌بخشید و سپس با نفی ناسیونالیسم و ملی‌گرایی، مخاطبان خود را مردم سراسر زمین می‌پندارد و بر همین

1 . Rimon arom

2 . Robin b. wright

اساس، حکومت‌های برخاسته از این نوع انقلاب‌ها، در تنظیم و اجرای راهبردها و سیاست‌گذاری‌های کلان خود، عرصه‌ای فراملی و جهانی را مدنظر قرار می‌دهند (محمدی، ۱۳۸۵، ص. ۷۸). انقلاب اسلامی ایران به واسطه ایدئولوژی فراملی و جهانشمول بودن دین اسلام وظایفی نسبت به تمام جهان بر خود تعریف نموده و درصدد پیاده کردن آن با توجه به اهداف و ماهیت انقلاب اسلامی برای کمال و سعادت بشر می‌باشد. در این بستر بر ساخته آرمانگرایی حرکت انقلاب اسلامی به عنوان پیشوا و الگویی برای "حرکت" ملت‌های مستضعف قلمداد می‌گردد (امام خمینی، ۱۳۸۷، ج ۶، ص. ۴۵۲). از نخستین روزهای بعد از پیروزی انقلاب اسلامی، حساس‌ترین مسأله برون مرزی ایران یعنی مسأله صدور انقلاب مورد توجه رهبران انقلاب اسلامی قرار گرفت. هدف اصلی سیاست خارجی ایران از همان آغاز به کار حکومت جدید تبلیغ و گسترش اسلام انقلابی بود. هدف صدور انقلاب با گسترش و فتوحات تاریخی اسلام همراه شده بود و این شیوه در دیدگاهی که به تمایز بین دارالاسلام و دارالکفر قائل می‌شد انعکاس می‌یافت. رضوان السید با تأکید بر این جنبه جهانشمولی اسلام تصریح می‌کند: درست است که اسلام نظام جهانشمولی است اما معنای جهانشمولی‌اش این نیست که گمراهی‌ها و افسارگسیختگی‌های مادی‌گرایی‌های جدید را بپذیرد بلکه ابتدا باید تمایز و برجستگی خود را در قلمرو خویش به نمایش بگذارد تا همه جهانیان اوج و عظمت و برتری و تمایز این الگو را مشاهده کنند و با مشاهده این الگو بر بندگی مادیت تحمیل شده بر خویش شورش کنند (السید، ۱۳۸۳، ص. ۲۳). این روند در سیر پیروزی انقلاب اسلامی، طرح اهداف و رسالت‌های انقلابی به صریح‌ترین شکل قالب‌ریزی و دنبال شده است. به عبارتی ساختار انقلابی، نظام بیرونی خود را به عنوان بخشی از جهان اسلام تلقی می‌نمود که جمهوری اسلامی در قبال آنها وظایف اسلامی خود را داشته است. بنابراین ایدئولوژی‌ها و انگاره‌های بر ساخته از کلیت اسلام در شکل‌بندی و در نهایت جهت‌دهی به کنش‌های بازیگران انقلابی نقش اصلی را ایفا می‌کنند.

در رابطه با این موضوع و پیامدها و نحوه به کارگیری و استفاده از آن و همچنین نوع نگاه به این مسأله به عنوان یک هدف هیچ اتفاق نظری بین جریان‌های سیاسی،

افراد و رهبران انقلابی در مواضع مختلف وجود نداشته است و اختلافات اساسی در مورد آن مشاهده می‌شود. رجایی بر این مجادله که کدام رویکرد باید غالب شود انگشت می‌گذارد؛ این که ایران در نقش مدل الهام دهنده عمل کند یا فعالانه به تبلیغ و انتشار ایده‌های خود در خارج دست زند (اسپوزیتو، ۱۳۸۲، ص. ۱۹). اسپوزیتو و جیمز پيسکاتوری^۱ اعتقاد دارند که جمهوری اسلامی ایران در ده سال نخست به اهداف انقلاب اسلامی که بیشتر در اهداف برون مرزی تبلور می‌یافت از جمله صدور انقلاب به خارج پایبند مانده است. اسپوزیتو هدف دوم نظام را که صدور انقلاب به خارج بوده جهان‌بینی عقیدتی و تفاسیر مذهبی آیت‌الله خمینی و ایدئولوگ‌های آن می‌داند (اسپوزیتو، ۱۳۸۲، ص. ۱۶). با توجه به رهبری بلامنزاع امام خمینی به عنوان رهبر انقلاب، متعاقباً مفهوم صدور انقلاب در چهارچوب قانون اساسی مشخص و شکل بندی شد از این رو ایدئولوژی اسلامی در دستور کار روابط و اقدامات برون مرزی قرار گرفت و یک نظام اخلاقی و ارزشی در مورد سیاست‌ها، ماهیت رفتار جمهوری اسلامی و سایر کشورها پدید آورد که در همین راستا معرف و هویت‌بخش آن نیز محسوب می‌گشت.

۲-۳. مبانی هویتی ژئوپولیتیک و صدور انقلاب اسلامی ایران

ایران، نخستین انقلاب سیاسی اسلامی را به جهان عرضه کرد؛ انقلابی که به نام اسلام و بر مبنای ایدئولوژی و نمادگرایی شیعه و رهبری روحانیت و غیر روحانیت اسلام‌گرا استوار بود و مسلمانان سراسر جهان از ثمره آن، محوریت یافتن هویت اسلام، بازگشت غرور و اقتدار مسلمانان در جهان که تحت سیطره ابر قدرت‌ها بود، محظوظ شدند. خیزش اسلامی در واقع احیای مؤثر تعهدات دینی بود، این خیزش که پهنه جغرافیایی گسترده‌ای را در بر می‌گرفت با بسیاری از تفکرات در دنیای جدید مخالف بود. علاوه بر این امام خمینی تجربه ایران را راهنمایی برای تغییر سیاسی و ایدئولوژیک امت جهان اسلام می‌دانست. برنامه او متحد کردن تمام مسلمانان در نبردی سیاسی و فرهنگی علیه شرق و غرب بود. با پیروزی در این نبرد، ایران آماده بود تا اصول خود را

1. Piskatory

در کشور خویش و جهان خارج از آن تبلیغ و پیاده‌سازی کند (اسپوزیتو، ۱۳۸۲، ص. ۴۹). فرانسوا توال^۱ بر این باور است که تشیع با ویژگی‌هایی تعریف شده در ایران امروزی، ادعای سخنگویی و حمایت از ملت‌های مظلوم بخصوص جهان سوم را برای خود قائل است. این تفکر سیاسی بنا به باور اسپوزیتو در گستره جهان اسلام مقاومت در برابر غلبه فرهنگ و حاکمیت سیاسی لیبرال دموکراسی غرب را ترویج نموده است (اسپوزیتو، ۱۳۸۲، ص. ۳۰۱). بنابر همین برداشت از کارویژه تشیع در ساختار انقلاب، شیعه و جهان همسو با برداشت‌های اینچنینی، به اقدامی تقابلی همراه با رد جهان غرب و ارزش‌های آن می‌پردازد. با پیروزی انقلاب اسلامی، جهت‌گیری مثبت و موافق ایران با ساختار جهان دو قطبی جای خود را به سیاست اعتراضی "نه شرقی و نه غربی" می‌دهد. این سیاست ایران را کانون نیروهای ژئوپلیتیکی غیر همسو با نظام سلطه کرد. به عبارت دیگر انقلاب ایران خلأی ژئوپلیتیکی در دل نظام دو قطبی ایجاد نمود و خود را خارج از این ساختار تعریف نمود (حافظ نیا، احمدی‌پور و بویه، ۱۳۹۱، ص. ۹). از دید شیعه، ارزش‌های غربی تنها مصنوعاتی هستند که در جهت فریب توده‌های فقیر در نظر گرفته شده‌اند. تشیع، کاپیتالیسم و کمونیسم را یکسان رد می‌کند. انفجار تشیع تنها به مواضع ژئوپلیتیکش در خاورمیانه بر نمی‌گردد، بلکه در محتوا و پیام سیاسی آن نیز همین برداشت‌ها نهفته می‌باشد و همین امر برداشت‌های تکلیف‌گرایانه را در رویکرد صدور انقلاب بر روش‌های معمول در جهان سیاست مورد توجه بیشتری قرار می‌دهد.

توال بر این نکته تأکید می‌کند که این برداشت از اراده انقلابی و امید به سخنگویی فقیران جهان بودن، به عنوان یک ویژگی سطحی اشتباه است. این اراده می‌تواند زمانی دارای قدرتی انفجارآمیز و سهمگین باشد (توال، ۱۳۷۹، ص. ۱۴۳). پیروزی انقلاب و تغییرات عمیقی که در برداشت‌های سیاسی در منطقه به وقوع پیوست و نگرانی‌ها و امیدهایی که در منطقه و جهان به وجود آمد انقلاب اسلامی را با توجه به جهانی‌بینی خود نسبت به مسائل بین‌المللی به عنوان عنصری تأثیرگذار و قابل توجه در تحولات منطقه‌ای و جهانی تبدیل نمود. در این راستا، اهمیت ایران در تجمع و متمرکز کردن ایدئولوژی اسلامی و قرار دادن آن در مخالفت مستقیم با غرب سکولار و دولت‌های

خاورمیانه‌ای وابسته با آمریکا نهفته است. بر همین اساس انقلاب از درون همین اندیشه خیزش اسلامی و تفکر سیاسی اسلامی برآمده است به گونه‌ای که رگه‌های هویتی آن را می‌توان در قانون اساسی و سخنان رهبر انقلاب ردیابی نمود. بنابراین ساختار انقلابی دولت و حکومتی اسلامی است که در یک حوزه جغرافیایی معین و با فرهنگی فرامرزی بنیان یافته که حامل ایدئولوژی اسلامی جهانی است. فیروز آبادی این در هم تنیدگی هویتی را در دو مقوله ضد غربی و ضد سکولار و از طرفی با ماهیتی اسلامی می‌داند (فیروزآبادی، ۱۳۸۸، ص. ۵۴).

بر همین اساس، برساخت مفهوم ام‌القرآ در اندیشه راهبردی، معانی هویت بخش در حوزه‌های کلان و فراتر از منطقه پیرامونی ساختار انقلاب اسلامی تعبیر می‌گردد. لاریجانی اصلی‌ترین مبنا و عیار تعیین ام‌القرآ را "عامل اندیشه‌سیاسی و وجود رهبری الهی" می‌داند (لاریجانی، ۱۳۶۹، صص. ۶۶-۵۲). به عبارتی مؤلفه‌های هویت ژئوپلیتیک با بسترهای فرهنگی در برساخت این انگاره نقش اصلی را ایفا می‌کنند. برساخت هویتی مرکزگرا، هم بر اساس تاریخ و گذشته سرزمینی از یکسو و هم با نیم‌نگاهی به تحولات معاصر و اهمیت پیدا کردن ایران به دلیل راه‌های ارتباطی و کشف انرژی نقش بسیار مهمی در قوام پیدا کردن مفهوم ام‌القرآ در بین کنشگران انقلابی داشته است. تاجدوزیان بر این نکته تأکید دارد که ایرانیان به واسطه آگاهی از اهمیت سرزمینی خود و نیز با توجه به اعتقاد آنها به نوعی برتری تاریخی - جغرافیایی در منطقه و حتی جهان خود را سزاوار استقلال‌طلبی و مبارزه با استعمار قدرت‌های بزرگ می‌دانند. نظام جمهوری اسلامی با تأکید بر ویژگی‌های اسلامی خود و نیز با بهره‌گیری از خصیصه استقلال‌طلبی و روحیه ضد استعماری به الگویی متفاوت در سطح بین‌الملل تبدیل شده است (دستجردی، افضلی و تاجدوزیان، ۱۳۹۱، ص. ۳۵). از این منظر، از نظر آمریکا، از سال ۱۹۷۹ میلادی ایران با استفاده از شمشیر قدرتمند سیاسی اسلام و مشروعیت، نظم منطقه‌ای مطلوب آمریکا در منطقه را به چالش کشیده است. برخی از مقامات آمریکا بر این عقیده‌اند که ایران از اسلام به عنوان ابزاری برای تعقیب هدف پنهان خود یعنی دستیابی به هژمونی سنتی خود در خلیج (فارس) استفاده می‌برد (جرجیس، ۱۳۸۲، ص. ۲۲۰). توال این نیروی جدید که حاصل پیروزی انقلاب اسلامی

می‌باشد را با توجه به حساسیت منطقه با پیامدهایی بین‌المللی آن گوشزد می‌کند. بر همین اساس کار ویژه و برداشت از مفهوم ام‌القرا در ادامه انگاره‌های هویت بخشی ترسیم می‌شود که هدف نهایی آن ایجاد یک نوع یکپارچگی و وحدت بر اساس مبانی فرهنگی، تمدنی و ایدئولوژیک در راستای ایجاد یک امت اسلامی است. شاخصه‌های این مبانی هویت‌بخش در راهبرد صدور انقلاب رهبران انقلاب قابل ردیابی می‌باشد که به آن اشاره خواهد شد.

۳-۳. مبانی فکری امام‌خمینی و صدور انقلاب

در دیدگاه امام خمینی همانند اغلب اندیشمندان مسلمان، انقلاب درونی و سازندگی روحی مقدم بر انقلاب بیرونی و سازندگی جامعه است. به اعتقاد ایشان سازندگی روحی مقدم بر همه سازندگی‌هاست. جهاد سازندگی از خود افراد باید شروع شود و خودشان را بسازند و با شیطان باطنی جهاد نمایند که این جهاد منشاء جهادهایی است که بعد واقع می‌شود و انسان تا خود را نسازد نمی‌تواند دیگران را بسازد و تا دیگران ساخته نشوند نمی‌شود که کشور ساخته شود (امام خمینی، ۱۳۸۷، ج ۱، ص. ۸۰). در واقع رهبر انقلاب این روند را در سال‌های زندگی خود با تعالیم عرفانی، اخلاقی و تدریس این مفاهیم سپری کرده و مقدمات نظری و عملی را برای ورود به عرصه مبارزات فراهم نموده بودند. آنچه او به عنوان راه‌حل مشکل جامعه اسلامی یافته بود چیزی جز اسلام به عنوان مکتب قیام و مبارزه نبود و این اسلام نیز جز با انقلاب اسلامی و تشکیل حکومت اسلامی قابل تحقق نبود. استراتژی وی ایجاد انقلاب و تشکیل حکومت اسلامی بود. رویارویی با حکومت پهلوی در طول مبارزات سیاسی و اجتماعی در واقع سمبل رویارویی دو گفتمان متفاوت است. ایشان به عنوان رهبر فکری و سیاسی مخالفین و سمبل گفتمان بازگشت به خویشتن و نماینده مخالفت با گرایش مُلهم از اندیشه غربی و جدایی دین از سیاست است. بدین ترتیب بازگشت به خویشتن و مخالفت او با غربزدگی مصادیق اجتماعی خود را پیدا می‌کنند. بنابراین ایدئولوژی اسلامی ایشان یک ایدئولوژی صرفاً اسلامی نیست، بلکه برآیند تاریخ ایران، شرایط و دیگر انگاره‌های جهان سومی و ایرانی است که در مفاهیم جنگ بین

مستضعفین و مستکبرین صورت‌بندی نهایی آن صورت‌می‌گیرد (martin, vanesa. 2000, p.107).

راهکار بازگشت به هویت اسلامی و مجد و عظمت مسلمانان از دیدگاه امام خمینی، پیروی از سیره معصومین در تمام ابعاد زندگی است. بر همین اساس از ملت‌های مسلمان درخواست می‌کند که از ائمه اطهار و فرهنگ سیاسی، اجتماعی، اقتصادی، نظامی این بزرگ راهنمایان عالم بشریت به طور شایسته و به جان و دل و جانفشانی و نثار عزیزان پیروی کنند (امام خمینی، ۱۳۸۷، ج ۲۱، ص. ۱۷۳). «ملت‌ها باید بیدار شوند و همه تحت لوای اسلام و تحت سیطره قرآن باشند. الحمدلله مسلمین هم عده‌شان قریب به یک میلیارد هست و هم ممالکشان یک ممالکی است غنی و ثروتمند و هم افرادشان افراد لایق، لکن آنهایی که می‌خواهند در این مملکت حکومت کند به واسطه تبلیغات سویی که در طول چندصد سال تقریباً کرده‌اند و نفوذی که در دانشگاه‌ها، در جاهایی که مرکز تربیت ابناء مسلمین است کرده‌اند، مسلمین را طوری کرده‌اند که از خودشان مأیوس شدند یعنی خودشان را گم کرده‌اند باید مسلمین جدیدت کنند مجد خودشان را پیدا کنند» (امام خمینی، ۱۳۸۷، ج ۲۰، ص. ۲۱۷).

دعوت امام خمینی برای بازگشت مسلمانان به اسلام دعوت صرف نیست او نه تنها از مسلمانان می‌خواهد با تمسک به تعالیم اسلام، راه حل مشکلات جوامع خود را در آن بیابند، بلکه درصدد است تا اسلام را نیز به عنوان دینی که پاسخگوی نیازهای انسان متناسب با زمان و مکان است معرفی نماید. او به خوبی واقف است که اگر اسلام بخواهد وارد صحنه سیاسی و اجتماعی شود باید برای تمام مشکلات سیاسی، اقتصادی و فرهنگی دارای برنامه باشد از این رو نگرش وی به اسلام نگرشی مکتبی است بر اساس این نگرش مکتبی است که اسلام دینی جامع و کامل معرفی می‌شود که برای تمام ابعاد زندگی فردی و اجتماعی دارای برنامه است. امام خمینی می‌گوید «اسلام برنامه زندگی دارد، برنامه حکومت دارد، اسلام از قبل از تولد انسان شالوده حیات فردی را ریخته، تا آن وقت که روابطش با سایر دول و ملل هست تمام اینها برنامه دارد برای تمام اینها تکلیف دارد» (امام خمینی، ۱۳۸۷، ج ۱، ص. ۱۱۹). همین رویکرد به اسلام است که در سال‌های بعد مبنای الگوی حکومت و نیز اساس مبارزات انقلابی او قرار

می‌گیرد. امام خمینی در راستای برنامه حکومتی که از اسلام می‌توان برداشت کرد، می‌گوید «مذهب اسلام از هنگام ظهورش متعرض نظام‌های حاکم در جامعه بوده است و خود دارای نظام خاص اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی است که برای تمام ابعاد و شئون زندگی فردی و اجتماعی قوانین خاص دارد و جز آن را برای سعادت بشر نمی‌پذیرد» (امام خمینی، ۱۳۸۷، ج ۴، صص. ۱۶۸-۱۶۷). همین تفسیر از اسلام و به دنبال آن ارائه تعبیری ایدئولوژیک از دین بود که در نهایت تغییر وضع موجود و ترسیم وضع مطلوب در قالب الگوی حکومت اسلامی (نظریه ولایت فقیه) را به تصویر کشید. به نظر امام خمینی «اسلام دین افراد مجاهد است که به دنبال حق و عدالتند؛ دین کسانی است که آزادی و استقلال می‌خواهند، مکتب مبارزان و مردم ضد استعمار است» (امام خمینی، بی‌تا، ص. ۴). بر همین اساس است که او با الهام‌گیری از آموزه‌های تشیع تعبیری ایدئولوژیک از اسلام ارائه می‌دهد. تعبیر ایدئولوژی یعنی این که براساس آن همچنانکه وضع موجود تبیین می‌گردد وضع مطلوب به عنوان جایگزین آن نیز ارائه می‌گردد. در واقع امام خمینی نگاهی ایدئولوژیک و دین‌محور به روابط بین‌الملل دارند و آموزه‌هایی چون اصل توحید، اصل دعوت و اصول دیگر در تمامی مبانی نظری و فرانظری اندیشه ایشان نقش محوری پیدا می‌کند.

ایشان از یکسو با تبیین وضع موجود بر اساس فرهنگ و هویت دینی به چالش گفتمان غربگرایی پرداخته و از سوی دیگر بر اساس همان فرهنگ و هویت دینی به ترسیم وضعیت مطلوب در شکل یک حکومت اسلامی حرکت کرده است. بر همین اساس می‌توان تأکید نمود که در این روند با رویکردی توحیدی نسبت به جهان مواجه هستیم. مؤلفه‌های مهم در اندیشه و عمل امام خمینی چه در سیاست داخلی و چه در سیاست خارجی مخصوصاً در این بستر قابل ردیابی است و پیامد طبیعی آن محوریت یافتن و اصل و اساس قرار گرفتن انجام وظیفه و تکلیف مبتنی بر مکتب اسلام است.

امام خمینی با تأکید بر همین موضوعات به طور خاص به طرح بحث صدور انقلاب پرداختند؛ چنانکه ایشان با شناخت عمیق و همه‌جانبه از اسلام و ابعاد انقلاب اسلامی و همچنین آگاهی و بصیرت کامل به شرایط زمانی و نظام حاکم بین‌الملل و همچنین شناخت دشمنان اسلام، امت اسلامی، انقلاب اسلامی و جمهوری اسلامی ایران و ابعاد

و شیوه‌های دشمنی آنان، ضمن یادآوری دشمنی همه‌جانبه آمریکا، صهیونیسم، کمونیسم با اسلام و انقلاب اسلامی، حفظ و تداوم انقلاب را عمق‌بخشی و گسترش پهنه انقلاب در داخل و خارج ایران می‌دانستند و بر این اساس همواره بر صدور انقلاب با شیوه‌ای جامع و کارآمد تأکید می‌کردند (فرزندی اردکانی، ۱۳۸۶، ص. ۱۲۷). بنابراین امام خمینی در تحقق رسالت عظیم انقلاب اسلامی تز صدور انقلاب اسلامی به جهان را به عنوان شعار استراتژیک انقلاب از همان روزهای آغازین بعد از پیروزی مطرح نمودند و این مسأله مهم را لحظه به لحظه دنبال کرده و به عنوان محور سیاست بین‌المللی انقلاب ترسیم نمودند و با قاطعیت تمام می‌توان گفت که امام تا آخرین روزهای حیات خود بدون کوچکترین سستی و تعلل در تحقق این امر مهم جدیت داشته‌اند مخصوصاً در دو سال آخر عمر خود به طور کامل و مشخص دورنمای صدور انقلاب را در پیام‌های مکرر خود ترسیم نموده و اهداف صدور انقلاب را به طور صریح‌تری مورد تأکید قرار دادند. در ادامه به صورت‌بندی راهبرد صدور انقلاب با توجه به تأثیر و تأثر مؤلفه‌های هویتی خواهیم پرداخت.

۴. تقدم آگاهی بر عمل در راهبرد صدور انقلاب

ذات طبیعی انقلاب‌ها بر اقدام به موقع، حتمی و مستمر صدور انقلاب استوار است. با این وجود تمایزی ماهوی در انقلاب اسلامی قابل شناسایی است که به باور جوادی آملی این وظیفه رهبران {انقلابی} است که "اقتضا دارد ندای هاتف غیبی را که برای گوش دل آشناست به سمع همه صاحب‌دلان برسانند و هیچ فرد یا گروهی را از این موهبت الهی محروم نکنند (جوادی آملی، ۱۳۷۸، ص. ۲۱). با توجه به این که در رویکرد امام خمینی پیشنی تکلیف‌گرایانه و حتمی به صدور انقلاب وجود دارد ولی این وجوب، برای انجام با مبانی تفکر اسلامی همراه گشته است که موجب تمایز بین مسیر ترسیم شده برای صدور انقلاب با دیگر انقلاب‌ها شده است.

با توجه به اینکه اصل اول صدور انقلاب اسلامی اصل دعوت می‌باشد و با توجه به ماهیت فرهنگی صدور انقلاب اسلامی محوریت اقدام بر اساس تبلیغ ارزش‌های اسلامی

و دعوت در مرحله اول تثوریزه شده است. جهانی کردن پیام انقلاب از ضروری‌ترین اقدامات در جهانبینی امام خمینی است. علاوه بر این ایشان تصریح دارند که این روند باید مطابق با اصول اسلامی و سنت‌های ایرانی - اسلامی باشد بر همین اساس تأکید می‌کنند که «هیچ حادثه‌ای در جهان امروز در هر نقطه‌ای که اتفاق می‌افتد، بدون تأثیر در نقاط دیگر نیست. لکن میزان اثرپذیری مردم در نقاط دیگر بستگی به آگاهی و انتخاب خود آنان دارد» (امام خمینی، ۱۳۸۷، ج ۴، ص. ۴۳۴). امام خمینی و دیگر رهبران انقلابی بر اساس بنیان‌های معرفت‌شناختی خود به دنبال اشاعه ارزش‌های اسلامی از طریق ایجاد شناخت و بیداری در بین ملت‌ها و دولت‌ها می‌باشند (امام خمینی، ۱۳۸۷، ج ۱۰، ص. ۲۴۲ و ج ۱۳، ص. ۲۸۱). ایشان با توجه ویژه به انقلاب درونی و اولویت آن بر سایر اقدامات در تلاش است تا ابتدا موجی از آگاهی را در بین ملت‌ها ایجاد نماید (امام خمینی، ۱۳۸۷، ج ۱۳، ص. ۲۸۱ و ج ۱۸، ص. ۳۴۲).

اصل "تدرج" نیز در صدور انقلاب اسلامی مبین این رویکرد با ماهیت دینی در بین رهبران انقلاب می‌باشد. رویکردی که اولویت ابتدا با اقدام به دعوت و اصلاح و در مراحل بعد و در صورت لزوم اقدام عملی و انقلاب اجتماعی نمود پیدا می‌کند. تبعات به کارگیری و لزوم رعایت این تقدم و تأخر نه تنها محوریت یافتن نوع مسالمت‌آمیز صدور انقلاب است بلکه توجه به بنیان‌های فرهنگی در مرکز نگرش و اقدام انقلابیون قرار می‌گیرد. دهشیری بر این نکته تأکید می‌کند که در اندیشه امام خمینی دعوت به اصلاح و انقلاب زیرین در هیأت‌های حاکمه در کانون توجهات قرار دارد و سپس در مراحل بعدی، اقدامات عملی همسو با صدور انقلاب مورد توجه قرار گرفته است (دهشیری، ۱۳۸۰، ص. ۴۰). محوریت و توجه ویژه به این مفاهیم به ویژه اصولی مانند اصل دعوت و توجه به توده مردم و مفاهیمی چون مستضعفین جهان نشان می‌دهد در مسأله صدور انقلاب روندی تدریجی و تأکید بر مؤلفه‌های نرم و بنیان‌های معنوی بر دیگر روش‌های مادی، سخت‌افزاری و راه‌حل‌های نظامی اولویت و ترجیح داده شده است.

۱-۴. رویکرد نرم صدور انقلاب

توجه به رویکرد مسالمت‌آمیز و در کل صدور نرم انقلاب مهمترین رویکردی بود

که در انقلاب مورد توجه رهبران انقلابی قرار گرفته است. منظور از صدور انقلاب نرم که با عناوینی همچون صدور مسالمت‌آمیز شناخته می‌شود، ترویج آرمان‌ها و اندیشه‌های انقلاب بدون خشونت و ابزارهای نظامی می‌باشد. در این نوع انقلاب هدف تسخیر و اشاعه ارزش‌های انقلابی در باورهای یک ملت یا منطقه می‌باشد. در انقلاب اسلامی ایران شیوه صدور انقلاب، صدور مسالمت‌آمیز انقلاب بوده است. رهبران انقلاب اسلامی در مقابله با نظام سلطه جهانی از همان ابتدای پیروزی انقلاب اسلامی، امکانات و توانایی‌های خود را در چنین جبهه‌ای سازماندهی کردند که در این رویارویی، صدور ارزش‌های انقلابی و تأکید بر جبهه فرهنگی و شیوه‌های نرم، حائز اهمیت بوده است. در واقع صدور انقلاب همانطور که از دیدگاه‌ها و عملکرد نهادها و سازمان‌های بعد از انقلاب و همچنین اندیشه و عمل رهبران انقلابی روشن می‌گردد، همواره با محوریت صدور مسالمت‌آمیز و آرام بوده است و به هیچ وجه رویکردی تهاجمی و کشورگشایی نداشته است.

در انقلاب اسلامی ایران رهبران انقلاب در برخورد با واقعیات پیچیده جهان به این نتیجه رسیدند که صدور اهداف و آرمان‌های انقلاب اسلامی در زمانی کوتاه و با استفاده از ابزارهای خشونت‌بار، واقع‌بینانه نمی‌باشد. این تفاوت در صدور انقلاب ناشی از ماهیت انقلاب اسلامی ایران است و انقلاب ایران با محوریت مذهب و توجه به فطرت انسان‌ها بوده است و لذا استفاده از شیوه‌ها و ابزارها در راستای صدور انقلاب متفاوت بوده است. امام خمینی ماهیت متقدم در امر صدور انقلاب را ماهیت اخلاقی آن می‌داند و معتقدند آنچه از انقلاب ایران صادر می‌شود طرح‌هایی برای تغییرات سیاسی نیست بلکه پرسش اخلاقی درباره دلیل استمرار نظم موجود جهانی است. اینکه چرا ستم و بی‌عدالتی باید وجود داشته باشد پرسشی از حقانیت و اخلاقی بودن نظام موجود است (طاهایی، ۱۳۸۸، ص. ۹۵). مهمترین تفاوتی که میان به کارگیری این شیوه‌های صدور انقلاب در ایران مشاهده می‌گردد عدم تمایل رهبران انقلاب اسلامی ایران به استفاده از روش‌های سخت و خشن صدور انقلاب بوده است. از همین رو ابزار صدور انقلاب هم بیشتر با ماهیت فرهنگی و با هدف تبلیغ و اشاعه ارزش‌های اسلامی همراه بوده است. از آنجایی که صدور انقلاب امری طبیعی در انقلاب اسلامی به شمار می‌رود، رویکردهای

مخالف با این روند به حاشیه رفته‌اند (اسپوزیتو، ۱۳۸۲، ص. ۸۵). این روند با توجه به جایگاه مسلط رهبر انقلاب با صبغه فرهنگی دنبال می‌شده است. در این رویکرد حرکت‌های نظامی به حاشیه رفته و توجه به معنویات و فطرت انسان‌ها به عنوان راهبرد اصلی صورتبندی می‌گردد. صدور انقلاب از منظر امام خمینی از سویی با احساس خودباوری ناشی از رسیدن به مرحله انقلاب در یک موقعیت برتر قرار گرفته است. این موقعیت برتر اجتماعی با توجه به احساس خودباوری در رهنمودهای رهبرانقلاب تأثیر بسزایی در انتخاب رویکرد نرم در مسأله صدور انقلاب داشته است. پیروزی انقلاب اسلامی به عنوان یکی از متمایزترین انقلاب‌های جهان با ماهیت دینی نوعی بازیابی هویت اجتماعی برای ایرانیان به همراه داشت تا با توجه به این تحولات در اتخاذ رویکرد نرم در مسأله صدور انقلاب تأثیر داشته باشد.

بنابراین صدور انقلاب در بین رهبران انقلاب به عنوان یک رسالت انقلابی تعریف شده و همین امر نیز در اتخاذ یک رویکرد نرم و نگاه از موضعی بالاتر نسبت به جوامع و ملت‌های اطراف در ارایه و شکل‌بندی صدور انقلاب به دور از روش‌های قهر آمیز نقش مهمی داشته است. محوریت تفکر شیعی رهبران انقلاب با این تمایز که قدرت را برخلاف برداشتی سنتی که در امور دنیوی دنبال می‌کردند منشاء اصلی قدرت را از آن خدا دانسته و بر همین اساس محور تمامی کنش‌ها و رفتارهای انقلابیون در این جمله تئوریزه می‌گردد و با این صافی تمامی کنش‌های انقلابیون مورد ارزیابی قرار می‌گیرد. امام خمینی در این باره تأکید می‌کنند که «آنچه هست قدرت خداست، هر حرکتی که شما می‌کنید، با قدرت خدا حرکت می‌کنید» (امام خمینی، ۱۳۸۷، ج ۱۹، ص. ۹۴). این برداشت از منبع قدرت و توجه به پیامدهای کنش‌ها و واکنش‌های هر فرد انقلابی، تمامی ابعاد سیاسی را در تبعیت از یک نظم و اصول اخلاقی قرار می‌دهد که در آن جایی برای جابجایی، سوءبرداشت و عدم امانت‌داری در هدف و وسیله وجود ندارد. چون هدف تعیین شده بر اساس ارزش‌های غیر مادی بنیان شده است. ایشان با توجه به این بنیان فکری تأکید می‌کنند که قدرت اگر در دست انسان کامل باشد، کمال برای ملت‌ها ایجاد می‌کند (امام خمینی، ۱۳۸۷، ج ۱۸، ص. ۲۰۶).

۲-۴. محوریت ارزش‌های انسانی و معنویت بر ارزش‌های مادی

انقلاب اسلامی با تأکید بر عوامل فرهنگی، به عنوان محور نظریه‌های انقلاب اسلامی در سطح کلان تعریف گردیده است. با توجه به اینکه در صدور نرم انقلاب هیچ منازعه فیزیکی و سختی صورت نمی‌گیرد، صدور نرم از سنخ جبهه فرهنگی می‌باشد. در واقع در دوران رهبری امام خمینی، اسلام و توجه به بُعد غیر مادی تحولات بشری در کنار سایر عوامل به عنوان محوری‌ترین اصل در تعیین کیفیت سیاست‌های انقلاب اسلامی، نقش مهمی را داشته است و از اسلام و ارزش‌های اسلامی به عنوان جایگزینی برای نظم جهانی موجود و به عنوان یک نظم جهانی عادلانه یاد نموده است. قرائت انقلابیون ایران از اسلام مبتنی بر تفکر شیعیان ایران از این دین آسمانی است که البته داعیه اصلی انقلاب ایران، دینی جهان شمول و معطوف به بشریت و تأمین سعادت اوست. اسلامی بودن انقلاب ایران، تبیین و ترویج آرمان‌ها و آموزه‌های انقلاب را اجتناب ناپذیر، الهام بخش و قابل صدور برای دیگر ملت‌ها و انسان‌ها می‌سازد (دهقانی فیروزآبادی و رادفر، ۱۳۹۳، ص ۳۶). درک اسلام از دیگر ایدئولوژی‌ها نقش مهمی در ریشه‌یابی تفاوت‌های دو انقلاب را ممکن می‌سازد. بر این اساس از دیدگاه انقلاب ایران ترجیح اهداف اخروی بر سود و اهداف مادی است. در برداشت رهبران انقلابی، انسان در زندگی خود در دوراهی اهداف مادی و معنوی قرار گرفته و این رسالت نهایی رسالت انقلابی نیز مورد توجه رهبران قرار گرفته است.

انقلاب اسلامی ایران، با شعارهایی چون استقلال، آزادی و جمهوری اسلامی، انقلابی بود که نیازهای اقتصادی در اولویت قرار نداشت. امام خمینی لازمه انقلاب‌ها را تحولات درونی ملت‌ها و توده‌های بیشمار ستم‌دیده دانسته و یگانه راه دستیابی و گسترش ارزش‌های اسلامی را بیداری ملت‌ها و توجه به معنویات می‌داند. بنابراین با این چشم‌انداز انقلاب را نه برای کسب قدرت و نه برای سلطه بر دیگری بلکه برای بیدار نمودن وجدان انسان‌ها برای مقابله با ظلم تعبیر می‌کنند.

آن چیزی که در اینجا حاصل شده است و باید او را جزو معجزات حساب کنیم، همان انقلاب درونی ملت بود. انقلاب درونی این ملت موجب شد که این انقلاب پیدا شود. همان انقلاب درونی آن‌ها از اسلام

و توجه آنها به خدای تبارک و تعالی موجب شد. پیروزی را ما باید از انقلاب درونی مردم جستجو کنیم و تا این معنا حاصل نشود، انقلاب یک انقلاب‌های تحویل قدرت از او به قدرت دیگر، وضع ملت همانجور که بوده باشد (امام خمینی، ۱۳۸۷، ج ۲۱، ص. ۲۷۰).

دیگر رهبران انقلاب نیز با تأکید بر این شاخصه اصلی انقلاب اسلامی تلاش نمودند تا این بُعد از انقلاب اسلامی در جهت‌گیری‌های سیاسی و بین‌المللی مغفول نماند. آیت الله خامنه‌ای نیز بر این راهبرد تأکید می‌کند و بر اساس آن صدور انقلاب را وظیفه و تکلیفی الهی می‌داند که قصور در مورد آن جایز نمی‌باشد. حجت‌الاسلام هاشمی رفسنجانی با تأکید بر این شاخصه انقلاب اشاره می‌کند که انقلاب اسلامی ما انقلاب اصیلی است که به جای زمین ریشه در آسمان‌ها دارد و از قرآن مایه می‌گیرد و اصلتش همراه اصالت خلقت و جهان آفرینش تضمین شده است و به همین جهت برای بلوک شرق و غرب هم خطرناک بوده است هم وحشت‌زا (هاشمی رفسنجانی، ۱۳۶۸، ص. ۸۴). در جایی دیگر تأکید می‌کند که امر صدور انقلاب با در نظر داشتن واقعیت‌ها باید به صدور فرهنگی انجامد: خواسته ما ترویج فرهنگ اسلام و دعوت جهانیان به فرهنگ اسلامی است باید ضمن شناسایی واقعیت‌ها طرز استفاده صحیح از دانش فنی را پیدا کنیم و از بحث‌های غیر واقع‌بینانه و نشدنی خودداری کنیم (خلیلی، مظفری و موسوی‌زاده، ۱۳۸۴، ص. ۲۲۰).

نتیجه‌گیری

سازه‌انگاری به عنوان یکی از نظریه‌های جدید در بررسی‌های سیاسی و اجتماعی، چشم‌اندازهای جدیدی را در مطالعات اجتماعی و تاریخی ارائه می‌دهد. بررسی تحولات انقلابی از منظر سازه‌انگاری با محوریت مؤلفه‌های هویتی به ارزش، خودانگاره‌ها و هنجارها نگاه جدیدی می‌اندازد. صدور انقلاب اسلامی با توجه به مؤلفه‌های هویتی در انقلاب اسلامی تحولات کیفیتی را تجربه نمود. مؤلفه‌های اسلام سیاسی با ارزش‌های جهانشمول با هویت‌بخشی فراملی و فرامرزی به صدور انقلاب در تعامل با انگاره‌های ژئوپلیتیکی و رهبری بلامنازع امام خمینی، نقش مهمی در

صورت‌بندی نهایی صدور انقلاب داشته است. برپایه مؤلفه‌های هویت‌بخش صدور انقلاب در قالب صدور نرم، امت‌محور، تقدم آگاهی بر عمل انقلابی برخلاف بسیاری از انقلاب‌های دیگر، اصل تدرج و مفاهیمی چون اصل وحدت و نفی و تقابل دیگری در قالب شعار نه شرقی و نه غربی شناسانده شد. مهمترین شاخصه صدور انقلاب اسلامی در این روند، محوریت یافتن صدور نرم و تکیه بر بنیان‌های ارزش اسلامی و انسانی در آگاهی‌بخشی به توده‌های مردم به عنوان یک تکلیف الهی و یک برداشت از رسالت انقلابی نمود پیدا می‌کند.

ملاحظات اخلاقی

حامی: مقاله حامی مالی ندارد.
 مشارکت نویسندگان: تمام نویسندگان در آماده‌سازی مقاله مشارکت داشته‌اند.
 تعارض منافع: بنا بر اظهار نویسندگان در این مقاله هیچ‌گونه تعارض منافی وجود ندارد.
 تعهد کپی‌رایت: طبق تعهد نویسندگان حق کپی‌رایت رعایت شده است.

منابع

- اسپوزیتو، جان. ال (۱۳۸۲). *انقلاب ایران و بازتاب جهانی آن*. ترجمه محسن مدیر شانه چی، تهران: انتشارات باز.
- اطهری، سید حسن و زمانی، سمیه (۱۳۹۲). تحلیل انتقادی گفتمان صدور انقلاب امام خمینی. *فصلنامه مطالعات انقلاب اسلامی*. ۱۰(۳۴)، ۱۸۱-۲۰۰.
- آرون، ریمون (۱۳۸۴). *مراحل اساسی سیر اندیشه در جامعه‌شناسی*. ترجمه باقر پرهام، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.

DOR: 20.1001.1.20085834.1392.10.34.9.8

- توال، فرانسوا (۱۳۷۶). ژئوپولیتیک شیعه. ترجمه کتایون باصر، تهران: انتشارات خاوران، چاپ اول.
- جرجیس، فوزی (۱۳۸۲). *امریکا و اسلام سیاسی*. ترجمه محمد کمال سرویان، تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- جوادی آملی، عبدالله (۱۳۷۸). *آوای توحید (شرح نامه امام خمینی (س) به گورباچف)*. تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (س)، چاپ هفتم.
- حافظ نیا، محمدرضا، احمدی پور، زهرا و بویه، چمران (۱۳۹۱). انقلاب اسلامی و پیدایش ژئوپولیتیک جدید ایران. *فصلنامه پژوهشنامه انقلاب اسلامی*. ۲(۵)، ۱-۲۳.
https://tjir.basu.ac.ir/article_340_68e4b7e2915808104f1eaf72e0444dac.pdf
- خلیلی، محسن، مظفری، مریم و موسوی زاده، سید محسن (۱۳۹۰). مقایسه مفهوم صدور انقلاب در انقلاب‌های فرانسه و روسیه. *جستارهای سیاسی معاصر*. ۲(۱)، ۴۷-۷۱.
https://politicalstudy.ihcs.ac.ir/article_403_b879ade44689e9f4ffb51f8ae428ee93.pdf
- خمینی، (امام) سید روح‌الله (۱۳۸۷). *صحیفه امام*. تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی.
- خمینی، روح‌الله (۱۳۶۲). *حکومت اسلامی (ولایت فقیه)*. تهران: بی‌جا، چاپ چهارم.
- دستجردی، حسن کامران، افضل‌ی، رسول و تاجدوزیان، حمید (۱۳۹۱). تحلیل ژئوپلیتیکی جایگاه جغرافیای فرهنگی در روابط جمهوری اسلامی ایران و آمریکا، *انجمن جغرافیایی ایران*، ۱۰(۳۴)، ۲۵-۴۶.
https://mag.iga.ir/article_705189_f06ca2cc1a224ad17396511caa2257e8.pdf

- دهشیری، محمدرضا (۱۳۸۰). چالش‌های سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران. اندیشه انقلاب اسلامی. <https://ensani.ir/fa/article/journal-number/25772/>
- دهقانی فیروزآبادی، سید جلال و رادفر، فیروزه (۱۳۸۸). الگوهای صدور انقلاب در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران. تهران: دانشگاه امام صادق (ع).
- رایت، رایین (۱۳۸۲). آخرین انقلاب بزرگ (انقلاب و تحول در ایران). ترجمه احمدتدین و شهین احمدی، تهران: موسسه خدمات فرهنگی رسا.
- زارعی، بهادر (۱۳۹۱). بررسی جایگاه اصل دعوت در اندیشه اسلامی و سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران. فصلنامه سیاست. ۴۲(۲)، ۷۷-۹۴. [Doi: 10.22059/jpq.2012.29968](https://doi.org/10.22059/jpq.2012.29968)
- السید، رضوان (۱۳۸۳). اسلام‌سیاسی معاصر در کشاکش هویت و تجدید. ترجمه مجیدمرادی، تهران: انتشارات باز (مرکز بازشناسی اسلام و ایران)، چاپ اول.
- شریعتی، شهروز (۱۳۹۲). جنبش نرم‌افزاری به مثابه صدور انقلاب، راهبرد توسعه. ۹(۳۳)، ۱۴۲-۱۶۶. <https://www.magiran.com/paper/1134936/>
- صمدی میارکلائی، حمزه و صمدی میارکلائی، حسین (۱۳۹۵). الگوی صدور انقلاب اسلامی در جهت دستیابی به تمدن نوین اسلامی. فصلنامه مطالعات انقلاب اسلامی. ۱۳(۴۷)، ۷-۳۰. <file:///C:/Users/Asus-Home/Downloads/islamic-te-v13n47p7-fa.pdf>
- طاهایی، سید جواد (۱۳۸۸). امام‌خیمینی و مبانی سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران. فصلنامه روابط خارجی. ۱(۱)، ۷۷-۱۱۱. https://frjournal.csr.ir/article_123486_6bc22ce0c3b1cf9a7d5d1d3a9ce93438.pdf

– عنایت، حمید(۱۳۷۴). انقلاب ایران، نقش ایدئولوژی شیعه در پیروزی انقلاب ایران. ترجمه مینا منتظر لطف. ماهنامه فرهنگ توسعه، ۱(۴).

SID. <https://sid.ir/paper/438386/fa>

– عیوضی، محمدرحیم (۱۳۸۲). توسعه فرهنگی در انقلاب اسلامی. اندیشه انقلاب اسلامی. ۷(۷)، ۶۵-۷۹.

<https://www.noormags.ir/view/fa/magazine/number/6005>

– فاطمی نژاد، سید احمد (۱۳۹۴). فرهنگ و رویه سازگاری جویی در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران مقایسه متن پژوهانه دوره‌های جنگ و اصلاحات. پژوهشنامه علوم سیاسی، ۱۰(۳)، ۱۱۳-۱۳۸.

https://www.ipsajournal.ir/article_267_23b832a9efaca75558ac89aaf4386a74.pdf

– فرزندی اردکانی، عباس علی(۱۳۸۶). مبانی نظری صدور انقلاب از منظر امام خمینی(چرایی، اهمیت و ضرورت صدور انقلاب). پژوهشنامه متین. ۹(۳۶)، ۹۷-۱۱۸.
Dor: 20.1001.1.24236462.1386.9.36.4.0

– فوکو، میشل (۱۳۷۳). ایرانی‌ها چه رؤیایی در سر دارند. ترجمه حسین همدانی معصومی، تهران: انتشارات هرمس.

– گریفیس، مارتین (۱۳۸۸). پنجاه متفکر بزرگ روابط بین‌الملل. ترجمه علیرضا طیب، تهران: نشر نی.

– لاریجانی، محمدجواد(۱۳۶۹). مقولاتی در استراتژی ملی. تهران: مرکز ترجمه و نشر کتاب.

– متقی، ابراهیم و طهماسبی، محمد (۱۳۹۹). تکلیف‌گرایی و تأثیر آن بر جایگاه ملی‌گرایی در مسأله صدور انقلاب (ملاحظه‌ای بر صدور انقلاب در دهه ۱۳۶۰). اندیشه سیاسی در اسلام. ۷(۲۵)، ۲۹-۵۲.

DOI: [https://doi.org/JPTI-2108-1266\(R1\)](https://doi.org/JPTI-2108-1266(R1))

- متقی، ابراهیم و کاظمی، حجت (۱۳۸۶). سازه‌انگاری، هویت، زبان و سیاست خارجی جمهوری اسلامی. فصلنامه سیاست، ۳۷(۴)، ۲۰۹-۲۳۷.
https://jfq.ut.ac.ir/article_19248_edb800cf84f9f9f4b85466b2afae4bd8.pdf
- مجتهدزاده، پیروز (۱۳۷۹). ایده‌های ژئوپلیتیک و واقعیت‌های ایرانی. تهران: نشر نی.
- محمدی، منوچهر (۱۳۸۵). سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران. تهران: نشر دادگستر.
- نباتیان، محمداسماعیل (۱۳۹۶). حوزه انقلابی و صدور فرهنگ انقلاب اسلامی. فصلنامه علوم سیاسی، ۲۰(۸۰)، ۱۰۱-۱۲۴. Dio: 10.22081/psq.2018.65397
- واحدی، سعید (۱۳۹۵). تبیین دیدگاه و ایدئولوژی امام خمینی در زمینه صدور انقلاب. تحقیقات جدید در علوم انسانی، ۳(۹)، ۳۲۳-۳۳۶.
<https://www.noormags.ir/view/fa/articlepage/1164948/>
- ونت، الکساندر (۱۳۸۴). نظریه اجتماعی سیاست بین‌الملل. ترجمه حمیرا مشیرزاده، تهران: دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی.
- هاشمی رفسنجانی، علی اکبر (۱۳۶۸). مجموعه خاطرات، دوران بازسازی و سازندگی. تهران: دفتر نشر معارف.
- یزدانی، عنایت‌اله و اخجسته، جمیل (۱۳۹۱). بررسی تطبیقی صدور انقلاب در گفتمان‌های سیاسی جمهوری اسلامی ایران. فصلنامه پژوهش‌های انقلاب اسلامی، ۲(۳)، ۵۹-۸۶.
https://tjir.basu.ac.ir/article_78_13370db8e765495c1c0eb263f13eb27e.pdf
- martin,vanesa.2003, Creatingan Islamic state,Khomeni and the making of a new Iran,London,I.B.Tauris: p107

- Adler . Alfered (2005) *Communitarian international Relations*: London-Routledge
- Porcel, G.(2001). The place of history in the making of the foreign policy. (v. kupalovka, ed) armok, M, E shar: international relation in a constructed world. Press.

